



## مدیریت توسعه روستایی

○ مسعود امامی نژاد

استقلال اقتصادی و اجتماعی که به عنوان یکی از آرمانهای اصلی نظام، طرح ریزی شده است، به معنی رهایی کشور از وابستگی مطلق به نفت، محور قرار دادن کشاورزی به منظور خودکفایی در تولید کشاورزی، توسعه بخش صنعت و معدن و افزایش کارایی، بهره‌وری اقتصادی در این بخش به منظور تقویت بنیانهای دفاعی کشور و همچنین خوداتکایی در تولید کالاهای مورد نیاز جامعه و در نهایت ایجاد زمینه صدور برخی از محصولات بویژه محصولات معدنی برای تأمین نیازهای ارزی کشور است. از سوی دیگر با ایجاد تعادل بین شهر و روستا زمینه رشد و ترقی جامعه روستایی را فراهم نموده از خالی شدن روستاها جلوگیری می‌کند.

لذا ایجاد و گسترش صنایع روستایی بعنوان یک بخش صنعتی در این کشورها می‌تواند به عنوان ابزار کارآمدی در توسعه اقتصادی و صنعتی مؤثر و مفید واقع شود.

کشور ما نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال رشد برای تقویت ساختارهای اقتصادی خود باید فعالیت صنایع روستایی (شامل صنایع کوچک، دستی و تبدیلی کشاورزی) را گسترش دهد.

زیرا فعالیت صنایع روستایی در توسعه مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا از اهمیت زیادی برخوردار است.

بنابراین صنایع روستایی بعنوان یک بخش صنعتی می‌تواند نقش مهمی را در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورمان داشته باشد.

توسعه اقتصادی در دنیای معاصر بصورت رقابتی پایان‌ناپذیر در میان کشورهایی که در سطوح مختلف پیشرفت قرار دارند، جلب توجه می‌کند. به گونه‌ای که کشورهای در حال رشد موقعیت نامساعد خود را درک کرده و به تدریج با استفاده از تمام منابع داخلی و همچنین جلب کمکهای خارجی درصدد رفع شکاف عمیقی که میان آنها و کشورهای پیشرفته صنعتی وجود دارد برآمده‌اند. البته تحقق چنین امری تا اندازه زیادی به درک واقعی موقعیت و امکانات و توجه به ضروریات اقتصادی و اجتماعی این کشورها وابسته است. در این راستا حمایت و تقویت صنایع وابسته به منابع داخلی کشور از اهمیت خاصی برای رسیدن به هدف‌های توسعه اقتصادی برخوردار است.

## توسعه شهری در برابر توسعه روستایی

بحث پیرامون این امر که توسعه شهری برای دستیابی به هدف‌های توسعه ضروری‌تر است یا توسعه روستایی، تازه نیست. این بحث از دو وجه برخوردار است:

الف) کدامیک از دو شیوه زندگی شهری و روستایی برای انسان بهتر است؟

ب) راهبرد توسعه کشاورزی می‌بایست توسعه شهری باشد یا روستایی؟

در حال حاضر عموماً چنین پذیرفته شده است که محیط قدیمی روستایی نه تنها موجبات توسعه را فراهم نمی‌کند، بلکه باید جهت هماهنگی با نیازها و دستاوردهای کنونی بشر متحول گردد.

مهاجرت گانندی - بزرگترین حبابی توسعه روستایی - خواهان روستاهای غرق در سنت‌ها نبود. او خواستار تحول روستاها بود. گانندی علاقه‌ای به شهرهای بزرگ نداشت. زیرا اینگونه شهرها در طرح شکل نگر و ارگانیک توسعه انباشان قرار نمی‌گرفت. گانندی خواستار تحول بنیادین روستاها بود. ولی نه از طریق مهاجرت اجباری مردم به طرف شهرهای بزرگ بلکه از طریق توسعه درونی روستاها و تبدیل آنها به مکانهای زیست‌پذیر و متناسب با رشد و ترقی بود.

برداشت غرب از رشد اقتصادی کنه شهرنشینی و صنعتی شدن مهمترین اجزای آن هستند. اساساً ضد روستاست. تولید انبوه مستلزم شهرهای بزرگ است، تا بتواند مهارت‌ها و سایر زیربنای مورد نیاز را برای چنین تولیدی مهیا سازد.

بنابراین شهرنشینی بعنوان یکی از شاخصهای توسعه در نظر گرفته شده است. بر این اساس هرچه ترکیب شهرنشینی در جمعیت ملی بیشتر باشد، توسعه وسیعتر به حساب می‌آید.

متأسفانه اکثر کشورهای در حال توسعه متقاعد شده بودند که شهرنشینی راه حل مشکلات روستاییان است. آنها چنین می‌پنداشتند که مکانیزه کردن کشاورزی،

نیروی کار به ظاهر مشغول فعالیت روستایی را آزاد می‌کند و اینان توسط صنایع مستقر در مراکز بزرگ شهری جذب می‌شوند سپس قطبها و مراکز جدید رشد صنعتی تشکیل می‌شود تا با ایجاد ظرفیت‌های اضافی، نیروی کار روستاها را جذب کرده و تقاضاهای رشد یابنده بخشهای دیگر اقتصادی را تأمین می‌کند. با چنین تصویری کشورهای در حال توسعه با گرایش شدیدی نسبت به شهرنشینی و خالی شدن روستاها مواجه شدند.

اما با گذشت چند دهه آشکار گردید که محدودیت‌هایی در رشد صنعتی وجود دارد. زیرا از یک سو بازار محلی تکافوی محصولات صنعتی را نمی‌کند، و از سوی دیگر کشورهای توسعه یافته آماده کمک به کشورهای در حال توسعه جهت ایجاد یک پایگاه مستحکم صنعتی نبودند.

کشورهای توسعه یافته تا آن حد به تأمین نیازهای کشورهای در حال توسعه تمایل داشتند که منافع خودشان تحت تأثیر قرار نمی‌گرفت. افزون بر این نه زودی آشکار گردید که کمک خارجی بدون وابستگی سیاسی به سختی بدست می‌آید. در نتیجه اکثر کشورهای در حال توسعه به این نتیجه رسیدند که تقلید کورکورانه از سیاست توسعه غرب نه تنها مشکلات روستایی آنها را حل نکرد، بلکه باعث عقب‌افتادگی بیش از حد مناطق روستایی، مهاجرت نیروی انسانی به شهرها و افزایش بیکاری آشکار و غیرآشکار، وابستگی به محصولات استراتژیک کشاورزی و... گردید.

لذا این کشورها دریافتند که پاسخ به مشکلات توسعه لزوماً تبعیت از الگوی شهرنشینی و صنعتی شدن کشورهای غربی نیست. بلکه راه چاره مشکلات مذکور در فرآیند اتکا به خود حاصل می‌شود. فرآیندی که با مشارکت افراد محلی و تجربه دیگران راه صحیح توسعه جهت استفاده مطلوب از دانش و تکنولوژی و منابع موجود تحقق می‌یابد.

توجه به توسعه روستایی بعنوان یک

واکنش، اهمیت بیشتری یافت و کشورهای در حال توسعه به تهیه برنامه روستایی و نیازهای اساسی ترغیب شدند.

حال این کشورها با یک مشکل اساسی دیگر مواجه شدند و آن تغییر ۱۸۰° در سیاست توسعه بود. توجه بیش از حد، روستا و عدم توجه به توسعه شهرنشینی.

آیا امکان دارد ناحیه‌های روستایی بدون توسعه شهرنشینی و ناحیه‌های شهری بدون عمران روستاها توسعه یابند؟ اگر پاسخ به این پرسش‌ها منفی است، پس مسئله را باید به گونه دیگر مطرح نمود.

موضوع بر سر این نیست که از مناطق روستایی یا شهری کدامیک می‌باید در ابتدا توسعه یابد، بلکه مشکل در این است که چگونه هر دو را برای تأمین نیازهای مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی توسعه داد. کشورهای در حال توسعه باید بخشی از وقت و نیروی خود را صرف ایجاد و تقویت همبستگی درونی کنند. و به این ترتیب اشتباه است اگر گفته شود که اساساً توسعه انحرافی در مورد شهرگرایی وجود دارد. اگر انحرافی وجود داشته باشد در انتخاب الگوی خاصی از توسعه است.

روشن است که بخش بزرگی از جمعیت روستایی کشورهای در حال توسعه در آینده در روستاها زندگی خواهند کرد. و شهر نمی‌تواند آنها را جذب کند زیرا صنایع جدید قادر به جذب تمام آنها نمی‌باشد.

بنابراین تنها راه چاره، ارتقاء سطح زندگی مردم در روستاها و توسعه روستایی است که اساساً به معنی بازدهی بیشتر کشاورزی و فعالیت‌های مربوطه و رابطه زنده‌تر بین عملکردهای روستا و شهر است. در واقع اجزای فرآیند توسعه باید آنچنان پیوسته باشند که شهرنشینی موجب توسعه روستاها گشته و پیشرفت روستاها و پشتیبان توسعه شهرها شود.

تلاقی این دو فرآیند می‌باید منجر به شرایطی گردد که در آن شکاف بین ناحیه‌های شهری و روستایی از نظر درآمد، بازدهی، خدمات اجتماعی و کیفیت زندگی

کاهش یابد.

### نظر بعضی از صاحب نظران در مورد توسعه روستایی

برخی از صاحب نظران مسائل روستایی نیز برای توسعه روستایی به ویژه افزایش فرصت های اشتغال را راه حل هایی ارائه دادند که عبارتند از:

الف) نظریه آقای واترستون که شش عنصر اصلی را برای توسعه همه جانبه روستایی بیان می کند.

- ۱- توسعه کشاورزی کاربر
- ۲- تقویت و گسترش کارهای عمومی کوچک و اشتغالزا
- ۳- تأسیس صنایع سبک و کوچک کاربر در مزارع و حواشی آن

۴- افزایش مشارکت اجتماعی روستائیان در تصمیم گیری ها و طرح های توسعه

۵- توسعه یک نظام سلسله مراتب شهری برای پشتیبانی توسعه روستایی

۶- امکانات نهادی مناسب و خوداتکا برای هماهنگی پروژه های مختلف اقتصادی (ب) نظریه آر. بی برای توسعه روستاها و برطرف کردن مشکلات و تنگناهای روستایی و افزایش فرصت های اشتغالزا بر این امر تأکید دارد که افزایش مشارکت های مردمی در صنعتی کردن روستاها بسیار مهم می باشد.

و همچنین استقرار صنایع با توجه به ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در مناطق روستایی و کشاورزی می تواند روند صنعتی شدن را در روستاها تسریع بخشد.

به نظر آر. بی برای توسعه روستایی و کشاورزی و برطرف کردن مشکلات و تنگناها سه نوع برنامه را می توان تدوین کرد.

۱- تأسیس کارخانه هایی که مواد اولیه شان را محصولات کشاورزی و دامی تشکیل می دهند مانند کارخانه کنسرو - حبوبات و ...

۲- تقویت و حمایت از صنایع دستی و

سنتی و محصولات و کالاهای تولید شده توسط صنعتگران محلی

۳- گسترش و حمایت از طرح های صنعتی کوچک که فرآورده های کشاورزی را به یک کالا و محصولات غذایی تبدیل می کند مانند واحدهای صنعتی بسته بندی مواد غذایی

ج) نظریه یا دیدگاه استانکی و موریس: معتقدند از آنجایی که ایجاد صنایع بزرگ و سرمایه بر در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه امکان پذیر نمی باشد، لذا سیاست ها و برنامه های صنعتی در مناطق روستایی و کشاورزی می تواند به عنوان وسیله ای برای اشتغال باشد.

### تعریف توسعه روستایی

در یکی از نشریات قدیمی سازمان ملل متحد، توسعه جامعه روستایی چنین تعریف شده است: فرآیندی است که طی آن، تلاش خود مردم با همکاری مسئولان دولتی برای اصلاح شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع و زندگی ملی، نقش اساسی ایفا کرده و آنها را قادر می سازد تا در سازندگی و پیشرفت ملی، مشارکت داشته باشد.

توسعه روستایی صرفاً به معنی توسعه کشاورزی نیست، همچنین موردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان تأمین گردد، بلکه طیف وسیعی از فعالیت های گوناگون و بسیج انسانی را شامل می شود و مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی های ساختاری قادر می سازد. ناتوانی هایی که آنها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی شان نگه داشته است.

همه مسائل و مشکلات روستایی به گونه ای با هم در ارتباط هستند و ضروری است که به طور همزمان به مقابله با آنها پرداخت از این رو عبارت توسعه، همه جانبه روستایی Integrated Baral Development برای شرایطی وضع شده که اهداف برنامه ریزی در بعضی و یا همه صفات مرتبط باهم در ذیل می آید. مشترک بودند:

۱- بهبود معیارهای زندگی و یا همزیستی

توده مردم با تضمین این مسئله که آنها از اهمیت برخوردارند و نیازهای اساسی آنها همچون غذا، مسکن، پوشاک و اشتغال برآورده می شوند.

۲- بالا بردن بهره دهی مناطق روستایی و کاستن از آسیب پذیری در قبال خطرات طبیعی، فقر و استثمار در این مناطق از طریق بر خورداری از یک رابطه منفعت آمیز، متقابل با بخش های دیگر اقتصاد منطقه ای، ملی و یا بین المللی.

۳- تضمین این مسئله که هر فرآیند توسعه خودگردان است و با توده مردم سر و کار دارد (مردمی بودن)

۴- تضمین حداکثر خودمختاری محلی و کمترین قطع رابطه با رسوم سنتی خودمختاری محلی معمولاً به معنی تشویق عدم تمرکز اداری و خودمختاری سیاسی است.

چنانکه ذکر گردید توسعه روستایی باید همه جانبه باشد. یک تحول اساسی که هدف آن همانا تأمین سلامت و بهسازی عملکرد و افزایش کارایی و اثربخشی آن می باشد. لذا با اعمال تغییراتی وسیع و عمیق (سازمان) روستا می خواهد قدرت سازگاری با شرایط جدید (انطباق محیطی) و توان حل مسائل و مشکلات روستایی را افزایش داده از تجارب خود پند گرفته به حد بالاتری از بلوغ و کمال نائل گردد. تغییراتی که در نهایت منجر به ایجاد تحول در شخصیت و هویت (سازمان) روستا شود بطوریکه رفتار و عملکرد را در (سازمان) روستا متحول نماید. بنابراین توسعه و تغییر ماهیتی و ساختاری در روستا لازمه توسعه و تحول ملی محسوب می شود و به تحقیق ثابت شده است که بدون توسعه روستایی و کشاورزی صنعت یا موفق نخواهد شد و یا در صورت موفق شدن، دیر یا زود دچار عدم تعادل های شدید داخلی خواهد گردید که مشکلات، فقر گسترده، عدم تعادل، نابرابری و بیکاری قطعی تر خواهد شد.

### صنایع روستایی

صنایع روستایی عبارت است از صنایعی

که در مرحله گذار (که یکی از مراحل انتقال تکنولوژی به روستا است) به نحوی نقش خود را (که همانا آشناسازی و زمینه‌سازی و ترویج مهارت‌های عملی و فنی، آماده‌سازی جامعه روستایی برای پذیرش و گسترش مراحل قبل از تثبیت صنعت و مرحله تثبیت صنعت در روستاهاست) بازی می‌کند که بتواند امر توسعه روستایی را (که همانا ارتقای اجتماعی و اقتصادی انسانی را هدف قرار می‌دهد) تسهیل کند. به عبارت دیگر صنایع روستایی، صنایع متناسب با منطقه روستایی کشور، در قالب صنایع تبدیلی، مواد اولیه کشاورزی و صنایع کوچک است که مکان استقرار آنها در مراکز دهستانها، مراکز بخش‌ها (دهستانهای مرکزی) و روستاهای اقماری واقع شده است.

### مزایای استقرار صنعت در روستا

#### الف) تأثیرات منطقی

۱- استقرار صنعت در روستا می‌تواند با جذب و به کارگیری نیروی کار در مشاغل غیرکشاورزی، از نسبت <sup>کم</sup> کمبود کشاورزی و در نهایت موجبات افزایش بهره‌وری توأم نیروی کار و زمین را در بلندمدت فراهم آورد.

۲- کوچاندن صنعت به روستا می‌تواند این مزیت را داشته باشد که در بلندمدت، توزیع قدرت اقتصادی بین جوامع شهری و روستایی، شکل عادلانه‌تری به خود بگیرد.

۳- کوچاندن صنعت به روستا این مزیت را دارد که از سرعت افزایش وابستگی روستا (در تأمین نیازهای خویش) به شهر بکاهد و در نهایت موجبات افزایش خوداتکایی را در روستا فراهم آورد.

۴- سرعت زیاد افزایش جمعیت و کندی روند افزایش منابع تولید در روستاها باعث شده است تا بیکاری پنهان و بیکاری آشکار همیشه در روستا وجود داشته باشد. با ایجاد صنایع روستایی می‌توان در مقاطعی از سال که فعالیت‌های زراعی تعطیل می‌شوند نیروی کار را برای کسب درآمدهای بیشتر به این سمت سوق داد.



#### روستایی

- ۱- استقرار اینگونه صنایع در مناطق روستایی، با توجه به شرایط جمعیتی، زیربنایی و تولیدی روستاها صورت می‌گیرد.
- ۲- مواد اولیه مورد مصرف اینگونه صنایع عمدتاً وابسته به صنایع مواد اولیه محلی و یا از منابع داخلی کشور قابل تأمین است.
- ۳- تکنولوژی مورد استفاده با توجه به بافت جمعیتی و دانش فنی روستائیان انتخاب می‌گردد.
- ۴- در اغلب موارد فعالیت‌های تولیدی در این زمینه، ریشه در فرهنگ، هنر و آداب و رسوم مردم منطقه دارد.
- ۵- از نظر طبقه‌بندی صنایع برحسب نظام سازماندهی اینگونه صنایع در قالب صنایع خانگی صنایع کارگاهی و صنایع کوچک قابل دسته‌بندی هستند.

- ۵- فعال کردن بخش صنعت در روستا می‌تواند از اتکاء بسیار بالا به کشاورزی را در هم بشکند و اقتصاد روستایی را واحد قابلیت‌های تازه‌ای کند.
- ۶- بهبود توانایی‌های روستائیان از طریق به کارگیری آنان در فعالیت‌های نوین صنعتی، پیش زمینه‌ای خواهد بود برای بروز خلاقیت‌های هدایتگرانه در روستائیان که به نوبه خود می‌تواند موجبات ارتقاء دانش فنی کل کشور را در آینده فراهم آورد.
- ب) تأثیرات ملی استقرار صنعت در روستا:

- ۱- جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه کنترل نشده روستائیان به شهرها.
  - ۲- کمک به دگرگون ساختن بنیان اشتغال در کشور
  - ۳- جلوگیری نسبی از تورم ملی
- ویژگیها و خصوصیات صنایع**



۶- نظام مدیریتی در اینگونه صنایع از پیچیدگی خاصی برخوردار نیست و با تکیه بر یافته‌های تجربی صورت می‌پذیرد.

۷- اشتغال‌زا بودن اینگونه صنایع به لحاظ تکنولوژی مورد استفاده و جذب نیروهای انسانی مازاد بر فعالیت‌های بخش کشاورزی و یا بیکاران فصلی در روستا از ویژگی‌های بارز آن است.

۸- صنایع روستایی بعنوان مکمل و پشتیبان قوی برای فعالیت‌های بخش کشاورزی محسوب می‌شود.

۹- از لحاظ محدوده بازار، دارای قابلیت تأمین بخشی از نیازهای محلی داخلی کشور است و می‌توان قابلیت صادرات نیز داشته باشد.

۱۰- صنایع روستایی با سرمایه‌گذاری محدود قابل ایجاد است و جریان تولید در آن دارای پیچیدگی خاصی نیست.

### جهت توسعه روستایی چه باید کرد؟

وجود پراکندگی زیاد روستاها از هم و تولیدات انفرادی و بالطبع آن فروش انفرادی موجب گردید که روستاها از امکانات بالقوه و بالفعل خود استفاده بهینه بعمل نیاورند. و نتوانند آنچنان که باید و شاید سهم بازار محلی و ملی و حتی بین‌المللی خود را نه تنها افزایش دهند بلکه حفظ نمایند. برای افزایش کارایی روستایی و افزایش میزان تولیدات آن و در نتیجه جهت افزایش سهم بازارهای ملی و بین‌المللی نیاز به یک تحول اساسی روستایی امری ضروری احساس می‌شود. تغییراتی ساختاری و زیربنایی با مدیریتی توانا اولین گام در جهت اصلاحات اساسی روستایی با ایجاد هماهنگی و انسجام کلیه روستاها از نظر تولیدات و فروش آنها می‌باشد. چرا که افزایش تولید کالاهای متنوع و فروش آنها در بازارهای مختلف خود امری مهم در جهت افزایش درآمد روستایی، اشتغال روستایی و... می‌باشد. که منتج به آبادانی و عمران روستاهای کشور می‌گردد. با توجه به امکانات منطقه‌ای از

### صنایع روستایی بعنوان یک بخش صنعتی می‌تواند نقش مهمی را در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورمان داشته باشد.

دولت می‌تواند در مدت زمان کوتاه و با هزینه اندک سیاست‌های توسعه مورد قبول ملی را در منطقه با کمک افراد محلی که از طریق ساختار کرافت منسجم و متحد گردیده‌اند را بدون مقاومت و موانع احتمالی اجرا نماید.

### دو راه حل جهت تقویت ساختار کرافت پیشنهاد می‌شود

۱- استفاده از انجمنهای داوطلبانه: به مجموعه اجتماعات محلی که بیش از ۵ سال سابقه دارند و برای تحقق اهداف خاصی طراحی شده‌اند ولی اعضای حقوق‌بگیر ندارند، معمولاً مؤسسه‌های مفید داوطلبانه اطلاق می‌گردد.

این گروه‌ها به صورت غیررسمی با داشتن دانش بومی بدون اینکه حقوقی را از نهادی دریافت نمایند فقط جهت رفع نارساییهای موجود روستا، اقدامات لازم را انجام می‌دهند. نکته مهمی که برای این نوع گروه باید مدنظر قرار گیرد تقویت مهارت‌های مدیریتی و فنی می‌باشد.

مکانیزم دوم برای تقویت انجمنهای داوطلبانه آن است که سازمانهای ارائه‌کننده خدمات مسلی (دولت) ملزم به پذیرش توصیه‌ها و پیشنهادها آنها شوند. عبارتی استفاده از مدیریت مشارکتی و سیاست عدم تمرکزی دولت را ملزم به واگذاری اختیار به گروههای داوطلبانه روستایی می‌کند. بالطبع این بزرگان روستاها هستند که برای اجرای سیاست‌های توسعه و اصلاحات پیش قدم شده و نظرات مختلفی ارائه می‌دهند.

### ۲- ایجاد واحدهای تحقیقاتی:

با تقویت واحدها و کارگاه‌ها و مزارع کوچک که یکی از مشخصات روستاهای ما می‌باشد می‌توان درآمدهای سرشاری را با فروش تولیدات روستایی کسب کرد. این تقویت از طریق ایجاد واحدهای تحقیقاتی از طرف دولت بعنوان ارائه‌کننده خدمات ملی موجب گسترش این واحدهای روستایی در قالب ساختار کرافت می‌گردد.

نظر تکنولوژی - نیروی انسانی، سرمایه و مواد اولیه بهترین ساختار سازمانی که توانایی ایجاد انسجام لازم را دارد الگوی کرافت می‌باشد. این الگو برای تولیداتی که نیازمند تکنولوژی ابتدایی و ساده بوده در مقیاس کم تولید می‌گردند بسیار مناسب است. اگر بازار محدود باشد و ابزار مورد استفاده بسیار ساده در این صورت افراد ماهر با خویشتاوندانشان محصولات را تولید می‌نمایند و به ندرت از کارگران مزدبگیر معمول در صنایع استفاده می‌کنند. بنابراین مشخصه‌های این الگو همانا تولید محدود، داشتن ظرافت در کار و نیاز به وجود هنر و مهارت خاصی برای انجام کار است. انجام کارهایی که نیازمند به کارکنان اداری نبوده و به افراد برای انجام کارشان اختیارات لازم تفویض می‌گردد.

این نوع سازمانها، متکی به مهارت‌های نیروی انسانی می‌باشند. لذا این الگو بهترین نوع ساختار سازمانی می‌باشد که موجب انسجام و هماهنگی روستاها می‌گردد. آنها را در قالب یک سازمان واحد منسجم می‌کند و از پراکندگی و تک‌محوری بسوی تعاون و همکاری گروهی سوق می‌دهد.

یکی از بارزترین ویژگی این نوع ساختار سازمانی تکیه آن بر افراد بومی و دانش بومی و محلی می‌باشد. لذا دولت به عنوان ارائه‌کننده خدمات ملی می‌بایست بصورت عدم تمرکزی عمل کرده و اختیارات لازم خود را به نیروهای محلی که آگاه به نارساییهای محلی و مشکلات منطقه‌ای می‌باشند و حتی راه‌حل‌های مختلف جهت رفع نارسایی‌ها را می‌شناسند که ارائه نمایند در آن صورت



### پیشنهاد چند راه حل جهت توسعه و عمران روستاها

۱- یکی از راه‌های توسعه روستایی گسترش راه و آسفالت راه‌های روستایی است لذا برنامه‌ریزی، طراحی، احداث، توسعه و نگهداری راه‌های روستایی و ارتباط آن به اولین جاده فرعی یا اصلی کشور از ضروریات می‌باشد.

۲- با توجه به اینکه لوله کشی آب یکی از اساسی‌ترین بخش بهداشت می‌باشد، لذا سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی، احداث، توسعه و نگهداری شبکه‌های آب آشامیدنی روستاها (تأمین، تصفیه، انتقال، توزیع) و همچنین دفع پساب ناشی از تأمین آب از ضروریات می‌باشد.

۳- برق به عنوان یک عامل زیربنایی در توسعه و عمران روستاها نقش اساسی ایفا می‌کند. لذا طرح و تهیه نقشه و احداث و گسترش خطوط شبکه برق روستاها و برق کشاورزی براساس استانداردها و ضوابط حتی وزارت نیرو از ضروریات می‌باشد.

۴- با توجه به اینکه صنایع روستایی از صنایع اولیه روستایی اعم از کشاورزی، دامداری، سنتی و... تأسیس می‌شوند. لذا ایجاد و گسترش صنایع روستایی از طریق صدور موافقت‌های اصولی و حمایت دولت از این صنایع چه از لحاظ مالی، تکنولوژی، آموزش و... می‌تواند راهی برای کاهش مهاجرت روستاها به شهرها و کاهش بیکاری و... می‌باشد.

۵- بهسازی بافت فیزیکی روستاها به منظور ایجاد زمینه مناسب محیطی جهت تطابق بافت روستا به شرایط زندگی جدید.

۶- آموزش‌های لازم در جهت جلب مشارکت مستمر و مفید اهالی روستاها در تنظیم محیط زیست انسانی، بهره‌برداری مناسب و نگهداری صحیح از خدمات و تسهیلات ارائه شده.

۷- برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، هدایت و ارزیابی عملکرد و فعالیت‌های تولیدی روستاها در چارچوب یک مدیریت

صحیح که این امر از پراکندگی تولیدات مختلف روستاها جلوگیری کرده، آنها را در قالب یک سازمان منسجم می‌کند. لذا تبدیل ساختار سنتی روستاها به ساختار سازمان یافته کرافت جهت ایجاد وحدت در عملکرد روستاهای مختلف ضروری می‌باشد.

۸- کمک به متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاها براساس بهبود تأمین ساخته‌های زیربنایی و کالبدی روستایی.

### فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- محمدزاده، عباس، مدیریت توسعه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۵
- ۲- ایروانی، محمدجواد، نهادگرایی و جهاد سازندگی، تهران، انتشارات جهاد سازندگی، سال ۱۳۷۷
- ۳- رامش و ربراساد میرزا، گزیده مسائل اقتصادی، انتشارات مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، شماره ۴۶، چاپ چهارم، آبان ۱۳۶۶.
- ۴- رحیم نیاآلاسکو، فریبرز، بررسی مشکلات و ننگ‌های ایجاد و گسترش صنایع روستایی، مجله دانش مدیریت، شماره ۲۴، بهار ۱۳۷۳.